

آر. هریر د کمجیان*

ترجمه دکتر حمید احمدی**

تجربه احتیاط‌آمیز عربستان سعودی برای استقرار یک سیستم مشورتی رسمی، با انتصاب یک مجلس شورای جدید از سوی ملک فهد در ژوئیه ۱۹۹۷، شتاب غیرمنتظره‌ای به خود گرفت. در واقع ادامه تجربه مشورتی و گسترش عضویت شورا به ۹۰ عضو با شگفتی زیاد، هم از سوی سعودی‌ها و هم ناظران خارجی، مورد استقبال قرار گرفت.^۱

انتصاب شورای جدید، حداقل به دو دلیل مربوط به هم مرحله بسیار مهمی در تکامل سیستم سیاسی سعودی محسوب می‌شود. نخست این که انتصاب شورای جدید بیانگر تصمیم ظاهری پادشاه برای نهادینه کردن فرایند مشورتی است که آن را در اوت ۱۹۹۳ آغاز کرده بود. دوم این که، تصمیم وی به افزایش عضویت شورا از ۶۰ به ۹۰ عضو، نشانه گسترش اساسی فرایند مشورتی سعودی است.

این مقاله تکامل تجربه عربستان سعودی در استقرار یک مکانیسم مشورتی را به اختصار بررسی کرده و نمودار کلی عضویت مجلس شورای جدید را که در ژوئیه ۱۹۹۷ منصوب شد ترسیم می‌کند. این تحلیل براساس پیشینه اجتماعی اعضاء شورا استوار است تا عوامل تعیین کننده در جذب اعضا، کارکردهای در حال تحول شورا، و اولویت‌های در حال ظهور سیاست دولت را مشخص کند. این مطالعه که براساس اطلاعات مفصل مربوط به شرح حال افراد استوار است، از روشهای تحلیل پیشینه اجتماعی در علوم سیاسی استفاده کرده است.^۲

* استاد علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مفهوم شورا در تفکر سیاسی اسلامی ریشه دارد و کاربرد آن به دوران اولیه اسلام بازمی‌گردد. این مفهوم بر اساس آیه قرآنی «وامرهم شورا بینهم»^۲ استوار است. فرایند مشورتی در عربستان سعودی از لحاظ زمانی به شیوه‌ای ناهماهنگ روبه‌توسعه گذاشت و با شورای حجاز در ۱۹۲۷ در زمان حکومت عبدالعزیز بن سعود (۵۳-۱۹۲۶) شروع شد که هشت عضو داشت و بعدها اعضا آن به ۲۰ عضو افزایش یافتند. ریاست این شورا را شاهزاده فیصل ابن عبدالعزیز السعود پسر پادشاه و معاون او^۴ بر عهده داشت. در ۱۹۵۶، ملک سعود بن عبدالعزیز السعود (۶۴-۱۹۵۳) به موجب فرمانی یک شورای ۲۵ عضوی ایجاد کرد، اما دیری نپایید که کارکردهای این شورا به کابینه محول شد.^۵ در ضمن اشکال سنتی مشورت که بر اساس اجماع قبیله‌ای استوار بود، در سطوح مختلف دولت سعودی دنبال شد.

گرچه ملک فیصل (۷۵-۱۹۶۴)، و ملک خالد بن عبدالعزیز السعود (۸۲-۱۹۷۵)، هر دو قول برپایی یک مجلس را داده بودند، اما در سپتامبر ۱۹۹۲ بود که ملک فهد شیخ محمد بن جبر را که یک عالم محافظه کار بود، به عنوان رئیس اولین مجلس شورای عربستان تعیین کرد و در اوت ۱۹۹۳ به انتصاب شصت عضو این شورا دست زد. مجلس در یک دوران بحرانی پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس به صحنه آمد. تأثیر روانی جنگ و هزینه‌های عظیم آن، و همچنین کاهش درآمدهای نفتی، چالش‌های جدی برای دولت سعودی ایجاد کرد. ظهور بی‌سابقه یک جنبش اسلامی که در پی ایفای یک نقش قاطع در امور داخلی و خارجی بود بخشی از این چالش‌ها بشمار می‌رفت.^۶ استقرار مجلس شورا بخشی از پاسخ رژیم به درخواست‌های منتقدان اسلام‌گرا و ناسیونالیست برای ایجاد اصلاحات در دوره پس از جنگ بود.^۷

به گفته ملک فهد، رابطه میان حاکم و مردم و اصل مشورت متقابل، بر اساس قرآن، سنت و شریعت استوار است.^۸ بدین ترتیب، مشورت از نظر مذهبی تجویز شده و پیروی از آن، وفادار ماندن به سنت‌های پیامبر اسلام است.^۹ هدف اصلی مجلس آنچنان که در فرمان سلطنتی آمده است، توصیه دادن و نصیحت پادشاه در چهار زمینه کلی است: قوانین

مملکت پادشاهی؛ طرح کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ ارائه گزارش های سالانه وزارتخانه ها و سایر نهادها؛ و قوانین، تعهدات و توافق نامه های بین المللی.^{۱۰} مسئولیت کلی واگذار شده به مجلس از سوی پادشاه، کمک به توسعه پادشاهی و رشد آن، با در نظر گرفتن مصلحت عمومی (المصلحه العامه) است.^{۱۱}

مجلس شورا در نخستین اجلاس چهار ساله خود (۹۷-۱۹۹۳)، رویه های خاصی را برای انجام وظایف محوله بنیان گذاشت. ابن جبیر رئیس مجلس شورا به عنوان کانال اصلی میان پادشاه و مجلس انجام وظیفه کرده است. هنگامی که یک مسئله خاص به مجلس ارائه می شود، رئیس مجلس فرایند مشورتی را آغاز می کند: او موضوع مورد نظر را به یکی از هشت کمیته تخصصی مجلس ارجاع می کند و واسطه مباحثات می شود، و سپس نظرات مشورتی مجلس را به شاه گزارش می کند.

بخش مهمی از کار مجلس در کمیته های هشت گانه آن انجام می شود. این کمیته ها عبارتند از: کمیته امور اسلامی، بهداشت و امور اجتماعی، اقتصاد و امور مالی، امور امنیتی، آموزش، فرهنگ و امور مطبوعات، امور خارجی، مقررات و مدیریت، و خدمات و تسهیلات عمومی.^{۱۲} مجلس هر دو ماه یک بار تشکیل جلسه می دهد، و بحث ها و نظرات مشورتی آن محرمانه صورت می گیرد. اعضاء مجلس باید از بحث عمومی در مورد کارها و مباحثات مجلس خودداری کنند، اما ابن جبیر که گاه به گاه خطاب به رسانه های گروهی اظهار نظر می کند از این قاعده مستثنی است. رئیس مجلس حق دارد هرگونه اسناد را از نهادهای دولتی درخواست کند یا هر مقامی را برای حضور در برابر مجلس احضار کند.

با توجه به محرمانه بودن جلسات و مباحثات مجلس، مشکل می توان مؤثر بودن آن به عنوان یک مکانیسم مشورتی و نیز تأثیر آن بر قانونگذاری و سیاست گذاری را ارزیابی کرد. به هر حال این نکته آشکار است که مجلس معمولاً طی اجلاس سالهای ۹۷-۱۹۹۳ مشغول نگاهداشته شد: در طول این مدت ۱۴۳ جلسه عمومی برگزار کرد و در مورد ۱۳۳ موضوع ارجاع شده تصمیم گیری نمود.^{۱۳} از تعداد زیادی مقامات بخشهای عمومی و خصوصی خواست تا در جلسات آن حضور یابند؛ و مهم اینکه برخی وزرای کابینه از جمله این افراد

بودند. برطبق اساسنامه مجلس، هرگاه نظرات مجلس و شورای وزیران در مورد یک موضوع خاص یکسان باشد، به دنبال رضایت پادشاه یک قانون در این زمینه به تصویب می‌رسد؛ و در صورت فقدان توافق میان مجلس و کابینه، پادشاه درباره موضوع مورد اختلاف تصمیم خواهد گرفت.

مجلس و رای نقش کلی مشورتی اش، اجازه دارد یک نقش بالقوه مهم میانجی میان مقامات و مردم ایفا کند. مجلس از طریق کمیته دادخواست ها (لجنة العراض) دادخواست ها، شکایات و پیشنهادات، عموم مردم را دریافت می‌کند.^{۱۴} در اولین اجلاس مجلس، بیش از ۳۰۰ دادخواست به وسیله این کمیته دریافت شد. براساس گزارشات موجود، برخی از اینها در تجدید نظر قوانین قدیمی و تدوین قوانین جدید کمک کردند، و سایر دادخواست به دربار سلطنتی ارسال شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. هرگاه مجلس فاقد اقتدار برای اقدام پیرامون شکایات خاص باشد، این شکایات را برای بررسی به وزارتخانه های مربوطه می‌فرستد.^{۱۵}

مجلس شورای دوم، ۱۹۹۷: یک نمودار

نمودار بهم پیوسته گروههای نخبگانی نظیر قانون گذاران، وزرای کابینه و سایر مقامات عالی رتبه را می‌توان از طریق تحلیل داده های بیولوژیک و داده های مربوط به آن در مورد عضویت کلی گروه به دست داد. ترکیب و ساختار نمودار مجلس ۱۹۹۷ سعودی براساس چندپیشینه اجتماعی استوار است: سن، محل تولد، شغل، آموزش (سطح، تخصص و مدرسه)، وابستگی گروهی. این ویژگیها با ویژگی های مجلس اول سال ۱۹۹۳ مقایسه خواهند شد تا بتوان تغییرات اجتماعی تکامل سیاسی عربستان سعودی و اولویت های سیاست آن را از آن زمان به بعد تمیز داد.

براساس فرمان سلطنتی، منصوب شوندگان به عضویت مجلس باید از سعودی های وفادار و دارای حداقل سی سال سن باشند که در عربستان سعودی به سر می‌برند و از شخصیت و صلاحیت خوب خود برخوردار هستند. آنها بدون اجازه پادشاه حق داشتن مشاغل

دولتی دیگر یا درگیر شدن در فعالیت‌های تجاری را مادامی که در مجلس هستند ندارند. بجز این معیارهای خاص فرمان سلطنتی، مقررات خاصی از شهروندان نظیر مشارکت کنندگان در فرایند مشورتی - علما، اهل العلم، اهل الرأی و اهل الخبره را نیز مشخص می‌کند.^{۱۶} گرچه این حوزه‌ها بخوبی در مجلس نماینده دارند، اما تحلیل پیشینه اجتماعی اعضای آن معیار دیگر گزینش را به منظور دست‌یافتن به درجه‌ای از نمایندگی متوازن آشکار می‌سازد. در واقع دقت بیشتر در انتصابهای ملک فهد نشان دهنده یک استراتژی جذب هنرمندان برای تقویت بنیادهای سیاسی مشروعیت سعودی است.

سن

در یک جامعه پدرسالار نظیر عربستان سعودی که برای ارشدیت احترام قائل است، عضویت نسبتاً جوان مجلس جدید هم شگفت‌انگیز است و هم از لحاظ سیاسی بسیار مهم. در واقع میانگین سن اعضای مجلس ۵۲ سال است. در این میان جوانترین عضو ۳۴ سال و پیرترین عضو ۶۹ سال دارد. تنها ۱۷ درصد اعضا در سالهای شصت سالگی هستند، و در عین حال ۳۰ درصد در سالهای سی و چهل و ۵۳ درصد در سالهای پنجاه سالگی خود هستند. این نشانگر تصمیم روشن ملک فهد به وارد کردن پویایی جوانی در فرایند مشورتی است. علاوه بر این، وارد کردن گروه بزرگی از جوانان می‌تواند نشانه پذیرش این واقعیت باشد که بخش روبه‌رشدی از جمعیت عربستان سعودی را جوانان تشکیل می‌دهد.^{۱۷} مجلسی متشکل از پنجاه ساله‌ها در تضاد آشکار با افراد هفتاد ساله موجود در مقامات بالای نخبگان سیاسی کشور است.

شغل

تعیین پیشینه‌های شغلی اولیه گروهی از نخبگان سیاسی، منبع استخدام اعضا و در مورد مجلس عربستان، پراکندگی نمایندگی در نهاد بالای مشورتی پادشاهی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین، تحلیل پراکندگی شغلی افشاکننده حوزه‌ها و منافع عمده‌ای است که از

نظر دولت برای ورود به مجلس قابل ارزش هستند.

به هنگام طبقه بندی پیشینه های شغلی اعضای مجلس باید به این نکته توجه کرد که برخی از آنها دو شغلی بودند و قبل از انتصاب به عضویت مجلس از یک حرفه به حرفه دیگر منتقل شدند. این الگوی تحرک شغلی در مورد دانشگاهیانی که وارد دیوان سالاری شدند یا به عنوان ماموران مذهبی کار کرده اند یا در مورد دیوان سالارانی که به دانشگاهها یا بخش تجاری پیوسته اند قابل مشاهده است. برخی دیگر همزمان دارای سه شغل بوده اند.

برش شغلی عضویت به بیش از دوازده نوع شغل، نشانگر پراکندگی قابل ملاحظه شغلی اعضا است، هرچند که دیوان سالاران و دانشگاهیان به اتفاق ۸۰ درصد اعضا کلی مجلس را تشکیل می دهند (نگاه کنید به نمودار شماره ۱). دیوان سالاران ۶۳/۳ درصد اعضا، و دانشگاهیان ۳۶/۷ درصد را دارا هستند. در مورد انواع دیگر مشاغل، بازرگانان بزرگ ۷/۸ درصد، دیپلماتها ۴/۴ درصد، ژنرالهای بازنشسته پلیس ۴/۴ درصد و ژنرالهای بازنشسته ارتش ۳/۳ درصد اعضا را تشکیل می دهند.

پراکندگی شغلی با توجه به اعضا دو شغلی که شامل قضات، وکلا، و روزنامه نگاران می شوند، روشن تر می شود. در واقع تمام اعضا مجلس از میان بالاترین مقامات نهادهای حکومت، نظیر مؤسسات دانشگاهی، حرفه ها و نیروهای نظامی و امنیتی جذب شده اند. دیوان سالاران شامل ۱۲ معاون وزیر سابق و سایر مأموران بلندپایه دولتی می شوند، و دانشگاهیان از بالاترین مقامات برجسته ترین نهادهای آموزش عالی عربستان هستند که در مقام رؤسای دانشگاهی، رؤسای دانشکده ها و استادان دانشگاه خدمت می کرده اند.

بخش بزرگ دانشگاهیان حاکی از نقش برجسته ای است که برای آموزش عالی در عربستان سعودی در نظر گرفته شده است. نقش دانشگاهیان حتی زمانی بزرگتر جلوه می کند که دانشگاهیان دیوان سالار را نیز به مقوله دانشگاهی اضافه کنیم. عنصر دانشگاهی، به کنار از بخش بوروکراتیک آن، منعکس کننده چهره های مذهبی و سکولار نهاد عملی عربستان سعودی است. حدود ۲۰ درصد اعضا مجلس از دانشگاههای مذهبی هستند و اغلب در مطالعات اسلامی تخصص دارند بقیه از دانشگاههای غیرمذهبی دارای تخصص های

غیرمذهبی گوناگون هستند. ترکیب مذهبی شامل چندتن از علمای بلندپایه و سایر متخصصان مطالعات اسلامی است، درحالی که در میان دانشگاهیان غیرمذهبی برخی از دانشمندان و محققان بلندپایه پادشاهی که آثاری در نشریات دانشگاهی غربی منتشر کرده اند دیده می شوند. نگرانی های امنیتی کشور، چه به لحاظ داخلی و خارجی، در انتصاب ژنرالهای بازنشسته پلیس و نظامی به عضویت مجلس منعکس شده است. حضور دیپلماتها ممکن است نشانه نقش اجتماعی مجلس در سیاست خارجی باشد، و داخل کردن بازرگانان مشهور در مجلس نیاز به جذب بخش خصوصی نظیر اعضاء اتاق بازرگانی را در فرایند مشورتی نشان می دهد. در میان روزنامه نگاران، دیوان سالاران و دانشگاهیان، ادبا، نویسندگان، شعرا، تولیدکنندگان تلویزیون و سردبیران دو روزنامه عمده یعنی الیمامه و عکاظ نیز به چشم می خورند. داخل کردن این اعضاء طبقه تحصیل کرده سعودی، به مجلس تمایز خاصی می دهد. نگاهی به ترکیب بوروکراتیک مجلس نشانگر جذب چند حوزه وزارتی و حرفه ای نظیر نفت، امور شهری، اطلاعات، بهداشت، منابع آبی، گاردملی و نهاد مذهبی است.

آموزش

نمودار آموزشی اعضاء مجلس از لحاظ سطح کلی دستاوردهای آموزشی و برحسب درجات دانشگاهی به واقع بسیار گوناگون است. ۶۴ درصد اعضا و بسیاری از آنها از دانشگاههای معروف جهان درجه دکتری و ۱۴/۴ درصد درجات کارشناسی ارشد و ۲/۲۱ درصد درجات کارشناسی دارند. حدود ۸۰ درصد دارندگان دکترا و کارشناسی ارشد از دانشگاههای غربی فارغ التحصیل شده اند، و بقیه از نهادهای آموزش عالی سعودی و مصری. در واقع، سطح کلی آموزش اعضاء مجلس سعودی به نحو مساعدی با نهادهای قانونگذاری غربی یا نهادهای دیگر قابل مقایسه است.^{۱۸} پرونده آموزشی فوق الذکر نشانگر، تأکید دراز مدت سیاست گزاران سعودی بر آموزش تکمیلی (بالای لیسانس) و بویژه بر اهمیت درجه دکتری برای پیشرفت حرفه ای و احترام اجتماعی است.

اعضاء مجلس در جمع از ۷۰ دانشکده و دانشگاه گوناگون مدارک تحصیلات

کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری دارند. حدود ۶۶ درصد اعضا مدارک کارشناسی خود را در عربستان سعودی گرفتند، واز این میان ۳۷ درصد فارغ التحصیلان دانشگاه ملک سعود در ریاض، ۱۵ درصد فارغ التحصیلان دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود، و بقیه فارغ التحصیلان دانشگاههای دیگر سعودی بودند. بیش از ۵۰ درصد دارندگان مدارک کارشناسی غیرسعودی از دانشگاههای امریکایی، و بقیه اغلب از دانشگاههای مصری فارغ التحصیل شدند. این نکته روشن است که اغلب اعضاء یک دانشگاه، وطنی را برای تحصیلات دوره کارشناسی خود برگزیدند و در این میان دانشگاه ملک سعود پیشتازترین مؤسسه آموزشی عالی کشور است.

دانشگاههای سعودی در رابطه با مدارک تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) تنها تعداد معدودی درجه، یعنی ده کارشناسی ارشد و شش دکتری، آن هم غالباً در مطالعات اسلامی اعطا کرده اند. با توجه به گسترش مداوم نظام آموزش عالی سعودی، انتظار می رود که بیشتر نخبگان آینده سعودی فارغ التحصیلان دانشکده های تکمیلی سعودی باشند. در میان کشورهای عرب، تنها مصر آن هم از طریق دانشگاه قاهره و الازهر اغلب مدارک دکتری را اعطا می کند. اما بخش اعظم اعضاء مجلس مدارک عالی خود را در امریکا و انگلستان گرفته اند، و فرانسه و آلمان هریک تنها یک دکتری دارند. ۱۳ عضو دارای دکتری از یازده دانشگاه مختلف انگلستان هستند. با این همه کشور ایالات متحده، آن هم علی رغم داشتن دو نظام طولانی کارشناسی ارشد و دکتری برای انتخاب آموزش عالی بی رقیب بوده است. اعضاء مجلس رویهم رفته ۷۴ مدرک امریکایی بالاتر از کارشناسی - ۴۴ کارشناسی ارشد و ۳۰ دکتری - از ۳۶ دانشگاه دارند که این بیانگر تأثیر نیرومند آموزش عالی امریکایی بر بخشی از نخبگان سعودی است. دانشگاههای جان هاپکینز، میشیگان، استانفورد، ایندیانا، دوک، پیتسبورگ، ویرجینیا، اورگن، ویسکانسین، و کالیفرنیا جنوبی از جمله مؤسسات برجسته اعطا کننده دکتری هستند.

جزئیات رشته های تخصصی اعضاء مجلس در بسیاری جهات انعکاس نمودار یک کشور به سرعت در حال توسعه است. همان گونه که در نمودار شماره ۲ آمده است، بر تکنوکرات ها و

دانشگاهیان دارای آموزش عالی، که مورد نیاز مؤسسات آموزش و صنعتی کشور هستند، تأکید آشکاری شده است. نیازهای تکنوکراتیک و توسعه‌ای را می‌توان در تعداد مهندسان (۱۲ نفر)، متخصصان علوم سیاسی (۸ نفر)، اقتصاددانان (۶ نفر)، مدیریت عمومی (۶ نفر) و سایر شخصیت‌های علمی مشاهده کرد. تخصص‌های باقی مانده شامل محققان رشته‌های آموزشی، علوم انسانی، تاریخ، امور کتابداری، و تعداد کمی متخصص بازرگانی، حقوق و علوم امنیتی و نظامی می‌شوند. بزرگترین حوزه تخصصی اعضای مجلس، آموزش اسلامی (۱۳ نفر) است؛ علما، قضات شریعت، و اعطان، روحانیون و دانشگاهیان مذهبی در جمع نشان می‌دهد که عربستان سعودی برای ارشاد معنوی و مشروعیت سیاسی، به اسلام متعهد است.

محافظه کاران مذهبی در برابر لیبرال‌های نوگرا

با توجه به نقش بسیار برجسته اسلام به عنوان ایدئولوژی رسمی عربستان سعودی، مجلس در چارچوب رسمی دولت عمل می‌کند. دولت نیز بوسیله شریعت، به ویژه تفسیر حنبلی آن که بنیاد اصلی عقیده وهابی است، و از تعالیم شیخ محمد ابن عبدالوهاب (۹۲-۱۰۷۳) سرچشمه می‌گیرد، ارشاد می‌شود. با این وجود، همراه با روند سریع نوگرایی پادشاهی سعودی، اصول محافظه کارانه عقیده وهابی به شدت در معرض آزمایش قرار گرفته‌اند. نتیجه این فرایند، تنش مداوم و روبه رشد میان سنت‌گرایان اسلامی و نوگرایان لیبرال در داخل حکومت و جامعه سعودی است. این تنش از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس بدلیل حضور نیروهای چندملیتی تحت رهبری امریکا در خاک سعودی افزایش یافته و باعث عکس‌العمل شدید محافظه کاران مذهبی که خود را سلفیون یا نگهبانان سنت اسلامی می‌خوانند شده است. این اسلام‌گرایان در دوره پس از جنگ به یک مبارزه تبلیغاتی گسترده از داخل عربستان سعودی و نیز از خارج علیه برنامه‌های نوسازی دولت و به گفته آنها سیاست حامیان غرب‌گرایانه آن دست زده‌اند. بدین ترتیب، مشروعیت اسلامی خانواده آل سعود را برای حکومت به چالش طلبیده‌اند.

در پاسخ به این تبلیغات، رژیم از طریق تأکید بر اعتبارات اسلامی خود درصدد جذب

منتقدان برآمده و درعین حال برای سرکوب متمرّدین تلاش کرده است.^{۲۰} ملک فهد تلاش کرده است تا در جریان انتخاب اعضاء مجلس، میان حوزه های مذهبی و لیبرال عربستان سعودی توازن ایجاد کند. حدود ۱۹ درصد اعضاء مجلس ۱۹۹۳ را می توان محافظه کاران مذهبی در نظر گرفت، درحالی که بقیه تحصیل کردگان غربی و اعضاء غیرسیاسی بودند.^{۲۱} در مجلس گسترش یافته سال ۱۹۹۷ نیز یک چنین موازنه ای را می توان مشاهده کرد. براساس تخصص های آموزشی اعضاء، نقشهای حرفه ای و نوشته های آنها، می توان دریافت که مجلس دارای یک محور اسلامی از اعضاء است و این خود بیانگر تلاش رژیم برای جلب همکاری حوزه اسلامی محافظه کار آن است. با این همه، هیچیک از آنها افراطی سیاسی نیستند. تنها ۱۷ درصد اعضاء مجلس ۱۹۹۷ را می توان به عنوان اسلام گرایان محافظه کار طبقه بندی کرد، و بقیه اعضاء یا از نظر سیاسی بی رنگ هستند و یا از دانشگاهیان لیبرال و روشنفکر. محافظه کاران مذهبی خود را نگهداران پاکي ایدئولوژیک و مشروعیت پادشاهی می دانند. هرچند که تعداد بالنسبه کوچک آنها قادر به پاسخگویی به درخواست های اقشار فعال تر و رادیکال تر حوزه اسلام گرانیست.

مشروعیت اسلامی مجلس، از لحاظ نمادین، توسط رئیس آن شیخ ابن جبر مورد تأکید قرار می گیرد. با این همه، نگاه دقیق تر به شخصیت های جناح اسلامی نشان دهنده چند جریان ایدئولوژیک، از محافظه کاران طرفدار حکومت گرفته تا سلفیون میانه رو و فعال، است. در میان سلفیون میانه رو می توان از شیوخ علی النمله، صالح العلی و صالح بن عبدالله بن حمیه، امام مسجد الحرام نام برد که در جریان یک سخنرانی آتشین پس از بمباران قانا در لبنان توسط اسرائیل در ۱۹۹۶، که تعداد زیادی از غیرنظامیان را کشت، ایالات متحده امریکا را مورد انتقاد قرار داده بود.^{۲۲} حتی مهمتر از این انتصاب چند فعال سلفی است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ از لحاظ ایدئولوژیک متحد افراط گرایان سلفی بودند و به خاطر مخالفت علنی با سیاست های داخلی و خارجی پادشاهی به زندان افتادند. از جمله این افراد می توان به زید عبدالمحسن الحسین، مانع الجهانی و احمد التویجری اشاره کرد که در ۱۹۹۳ به خاطر رهبری یک جناح فعال سلفی در دانشگاه ملک سعود به زندان افتاد.^{۲۳}

تصمیم ملک فهد به وارد ساختن این منتقدان سلفی به مجلس بیانگر یک اقدام بی سابقه در جلب همکاری مخالفان سابق و منعکس کننده درجه بالای انعطاف و همدان سازی سیاسی است.

در سوی دیگر طیف ایدئولوژیک، یک جناح بزرگ لیبرال دیده می شود که احتمالاً انسجام بلوک اسلام گرای مجلس را ندارد. اگر تحصیلات غربی و انتشار آثار را نشانه دیدگاههای لیبرال بدانیم، آنگاه تا ۴۰ درصد اعضای مجلس را می توان در اردوگاه لیبرال جای داد. در مقایسه با مجلس ۱۹۹۳، چنین به نظر می رسد که سهم کلی اسلام گرایان و لیبرالها در مجلس ۱۹۹۷ تغییر زیادی نیافته است.

عضویت شیعیان

یکی از مهمترین جنبه های مجلس ۱۹۹۳ وارد کردن یک عضو شیعی بود، که خود نوعی شناسایی ضمنی اقلیت شیعه سعودی در استان شرقی محسوب می شد.^{۲۴} قابل ذکر است که حضور شیعیان در مجلس ۱۹۹۷ با وارد کردن یک عضو دوم افزایش یافته است.^{۲۵} گرچه این بیانگر جمعیت اقلیت شیعی نیست، اما نشان دهنده یک عنصر مهم در فرایند سیاسی سعودی است. در واقع تصمیم افزایش سهم شیعیان بیانگر نوعی دهن کجی به افراط گرایان سلفی است که به طور ضمنی و براساس مخالفت عقیدتی خود با تشیع هرگونه نقشی را برای شیعیان در فرایند سیاسی رد می کنند. دو عضو منصوب شیعی، از مقامات بسیار بالای دانشگاهی و دیوان سالاری هستند و از دانشگاههای غربی مدرک دکتری دارند. آنها بیانگر جناح میانه روی جامعه شیعی سعودی هستند. انتصاب آنها بیانگر سیاست فعلی دولت در همساز کردن شیعیان است که در ۱۹۹۳ به منظور برآوردن آمال آنها برای برخورداری از برابری و نیز خنثی کردن جذبه گروههای انقلابی تحت حمایت ایران صورت گرفته است.

نماینده‌گی محلی

الگوهای نمایندگی محلی نخبگان بیانگر جغرافیای سیاسی داخلی یک کشور و دلیلی بر این نکته است که نشان دهد از نظر جغرافیای محلی قدرت در کجا نهفته است. در چارچوب سعودی، پیشینه استانی اعضاء مجلس براساس محل تولد آنها، نشانگر الگوهای عمده نمایندگی (نگاه کنید به نمودار شماره ۳) است، هرچند که در چند مورد محل تولد یک عضو از محل اقامت سنتی خانواده او کم اهمیت تر بوده است.

برجسته‌ترین جنبه پیشینه محلی اعضاء مجلس ۱۹۹۷، مجموعه بزرگی است که از نجد، یعنی بخش مرکزی کشور برخاسته‌اند و ۴۴ درصد کل اعضاء را تشکیل می‌دهند. این یافته با توجه به مرکزیت سیاسی ریاض، پایتخت پادشاهی در نجد، و اهمیت نجد به عنوان مرکز تاریخی قدرت سعودی چندان شگفت‌انگیز نیست.

در داخل نجد چندین شهر محافظه کار کوچک نیز نمایندگی خوبی در مجلس دارند. از جمله این شهرها می‌توان به المجمعه، حریمله و شهرهای قاسمی عنیز، بقیریه، البریده، و الرس اشاره کرد که در سالهای ۹۴-۱۹۹۳ مراکز اعتراض اسلام گرایانه علیه حکومت بودند. حجاز، در غرب، دارنده دومین گروه بزرگ اعضاء (۲۹ درصد) است، که اکثر آنها از مراکز شهری مقدس مکه و مدینه، و تعدادی نیز از جده و طائف آمده‌اند. استان شرقی محل حدود ۹ درصد و عسیر ۳ درصد اعضاء است. بقیه اعضا اهل حائل، جیزان، تبوک و ابها هستند. این ارقام با پیشینه محلی اعضاء مجلس ۱۹۹۳ قابل مقایسه است.^{۲۶} در رابطه با پیشینه شهری در برابر روستایی، باید گفت که بیش از ۳۵ درصد اعضاء مجلس ۱۹۹۷ از شهرهای کوچک و شهرهای اطراف مناطق روستایی سعودی می‌آیند و بقیه از مناطق شهری پرجمعیت نجد، حجاز و استان شرقی که به ترتیب مراکز سیاسی، مذهبی و اقتصادی قدرت پادشاهی هستند.

پیشینه قبیله‌ای و طبقاتی

گرچه قبیله‌گرایی یک ویژگی برجسته جامعه سعودی است، اما در مجلس الشورا تجلی برجسته‌ای ندارد. در واقع هیچیک از اعضاء از رهبران قبایل نیستند. هرچند که حدود

۳۵ درصد پیشینه قبیله ای دارند و به قبایل عنیزه، مطیر، عتیب، شمر، غمید، حرب، ظهران و دواسیر تعلق دارند. به نظر می رسد که نمایندگی قبیله ای از طریق مکانیسم های مشورتی سنتی سعودی صورت می گیرد. بدین ترتیب، سیاست قبیله ای در بیرون ترکیب مجلس قرار دارد و مجلس یک چارچوب نهادی برای امور بخش مدرن فرایند سیاسی سعودی در نظر گرفته شده است.

ریشه های قبیله ای و روستایی اعضای مجلس تا حدی بیانگر این نکته است که بسیاری از اعضای پیشینه اجتماعی اقتصادی نسبتاً معتدل دارند، هرچند که اغلب آنها از طبقه متوسط بالا به نظر می آیند. مجلس شامل اعضای خانواده های اشرافی و بازرگانان ثروتمند و نیز دیوان سالاران و دانشگاهیان کمتر دولتمند می شوند. مجلس ۱۹۹۷ همانند مجلس قبلی، کاملاً از افراد عادی یعنی افرادی که عضو خانواده سلطنتی نیستند تشکیل می شود. با این همه، چند عضو مجلس از طریق ازدواج با خانواده آل سعود رابطه دارند.

راه های رسیدن به قدرت

تحلیل ویژگیهای پیشینه اجتماعی اعضای مجلس مشورتی سال ۱۹۹۷ به ما اجازه می دهد تا راههایی را که برخی افراد برای رسیدن به مقامات بالای عضویت در شورا برمی گزینند ترسیم کنیم. مجلس شورا بیش از هر چیز بالاترین نهاد سیاسی پادشاهی پس از دربار و شورای وزیران است. این نکته روشن است که شرط اولیه برای همه منصوب شدگان، به استثنای چند سلفی متمرّد سابق، آرامش و وفاداری سیاسی، و نیز خدمت تمام عیار به کشور و رهبری آن است. شرط ضروری کلی دوم، برخورداری از آموزش و تخصص عالی در رشته های مختلف، از جمله دانش اسلامی است. ورای این نیازهای اساسی، چهارراه شغلی خاص دیگر قابل تشخیص است. پرفت و آمدترین راهها دیوان سالاری دولتی و دانشگاه، یا ترکیب هر دو است. تخصص مشورتی از نوع تکنوکراتیک دارای آموزش عالی، ارزش والایی در مجلس دارد. راه دیگر وارد شدن به مجلس، از دانشکده ها و دانشگاههای اسلامی آغاز شده و تا مؤسسات

تبلیغات مذهبی، آموزشی و قضایی گسترش می‌یابد. و سرانجام راه کوچکتری از طریق بازرگانی کلان و روزنامه نگاری وجود دارد. عضویت در مجلس امتیازات خاص خود را نیز دارد. مجلس از زمان بنیانگذاری اش در ۱۹۹۳ به یک سکوی پرش برای مقامات بالاتر در درون نخبگان قدرت تبدیل شده است. به طور نمونه ۳ عضو مجلس ۱۹۹۳ به کابینه وارد شده و چند عضو دیگر به مقامات رهبری بلند پایه در نهادها و سازمانهای دولتی منصوب شده اند.^{۲۷}

نقشهای چند گانه مجلس

تحلیل پیشینه اجتماعی اعضاء مجلس سال ۱۹۹۷ همچنین چندین کارکرد ناپیدا را آشکار می‌کند که از نقش اولیه این نهاد به عنوان یک سازمان مشورتی فراتر می‌رود.

کارکرد افتخاری

انتصاب به عضویت مجلس افتخار مهمی است که براساس اعتماد شاهانه (ثقة ملكيه)، یعنی اعتمادی که شاه به یک عضو مجلس دارد، به یک شهروند سعودی داده می‌شود. گرچه حقوق دریافتی ماهانه ۶۰۰۰ دلاری هر عضو براساس معیارهای سعودی حقوق بسیار بالایی نیست، اما کمتر افرادی هستند که پرستیژ و احترامی را که گزینش آنها برای خود و خانواده شان به بار می‌آورد انکار کنند. هیچکس، هرچند هم که ثروتمند باشد، برطبق ضرب المثل عربی که می‌گوید «شاهان استنکاف را نمی‌پذیرند»، به فکر رد پیشنهاد و اعتماد شاهانه ای که همراه آن وجود دارد نمی‌افتد. یک نشانه نقش افتخاری مجلس، اهمیتی است که مطبوعات سعودی به هریک از منصوب شدگان می‌دهند و به انتشار عکس‌ها، شرح زندگی و موفقیت آنها می‌پردازند. در این چارچوب، اعطای عضویت، پاداش یا قدردانی در قبال خدمات آنها به پادشاهی، بویژه برای دیوان سالاران، ژنرال‌ها و مقامات دانشگاهی بازنشسته، است.

کارکرد نمادی (سمبولیک)

مجلس نقش نمادین قدرتمندی نیز از لحاظ داخلی و بین المللی، بویژه، در تخفیف انتقادات رسانه های خارجی به نظام سعودی ایفا می کند. سعودی ها با برجسته کردن نقش کلیدی مجلس و ویژگیهای اعضای آن، به درستی می توانند مدعی باشند که صفوة الرجال (رجال برگزیده) را برای خدمت در مجلس شورای خود انتخاب کرده اند.^{۲۸} نقش نمادین مجلس را به عنوان ویرتینی از مردان دارای مدارک دکتری و ویژگیهای تکنوکراتیک نمی توان دست کم گرفت.

کارکرد نمایندگی

نقش نمایندگی مجلس مهم است چون تنها نهاد سعودی است که بخشهای مختلف جامعه سعودی و منافع اجتماعی و سیاسی، قبایل، جناحهای ایدئولوژیک، فرقه ها و مناطق را به گردهم می آورد. به این اعتبار، نمایندگی احساس اجتماع، همبستگی و هویت ملت سعودی را افزایش می دهد، هرچند که برخی اقشار اجتماعی همانند شیعیان نمایندگی واقعی ندارند، یا همانند زنان به مجلس راه نمی یابند.

کارکرد همسازسازی

کارکرد همسازسازی مجلس در محیط سیاسی جاری سعودی مهمترین کارکرد آن به شمار می آید. در واقع، تحلیل کنونی به صراحت نشان می دهد که منصوب شدگان پادشاه به گونه ای انتخاب شده اند که نه تنها رجال برگزیده را به گردهم آورند، بلکه سلفیون چیره دست، شیعیان، لیبرالها و سایر منتقدان بالقوه یا منتقدان سابق رژیم را جذب کنند. میزان این تلاش همساز ساز، در تجربه سیاسی سعودی بی سابقه است، چون هدف آن ایجاد مشارکت سراسری ملی، اجماع و مشروعیت است. بدین گونه، این تلاش بیانگر یک حرکت آگاهانه به سوی ایجاد دموکراسی اجماعی محدودی است که چندان هم با شکل پیشرفته تر این سیستم در کویت و عمان بی شباهت نیست.

مجلس در حال تکامل

مجلس از زمان شکل‌گیری اش در ۱۹۹۳ در پی برآورده ساختن برخی نیازهای نهادی در نظام سیاسی سعودی بوده است که تنها تا حدی، آن هم به طور غیرمؤثر، توسط ارگانهای حکومتی موجود برآورده می‌شد. در واقع، هیچ نهاد دیگر دولتی قادر به انجام مؤثر کار کردهای چندگانه جمعی، بویژه، نقشهای نمایندگی و همسازسازی آن، که عناصر اصلی در ارتقاء هویت مشروعیت و ثبات ملی هستند، نبوده است.

در تحلیل نهایی، سودمندی و تأثیر مجلس به این بستگی دارد که پادشاه مایل باشد آن را به یک مکانیسم سودمند، بویژه، در رابطه با نقشهای قانونگذاری و واسطه‌ای آن تبدیل کند یا نه. این امر به توان رهبری مجلس برای گسترش وسعت نفوذ سازمان و مسئولیت‌های آن در درون نظام سیاسی نیز بستگی دارد. در واقع مجلس با ایفای کار کردهای مشورتی، قانونگذاری و واسطه‌ای خود در یک موقعیت بالقوه رقابتی با برخی از نهادهای دولتی موجود قرار می‌گیرد. شورای وزیران با ابزار دیوان سالارانه اش رقیب عمده مجلس است.^{۲۹} امکان بالقوه بروز کشمکش [میان این دو نهاد-م] در مواد ۵۶، ۶۹، ۷۶ قانون پایه، و مواد ۱۷، ۲۲ و ۲۴ فرمان مجلس وجود دارد که می‌گوید شورای وزیران و مجلس باید کار کردهای مشورتی و قانونگذاری خود را به طور مشترک انجام دهند.^{۳۰} با توجه به این واقعیت که قانون مرزهای رقابت میان دو نهاد را تعریف نکرده است، انتظار می‌رود که رقابت آنها برای نفوذ بر تصمیمات پادشاه و دربار سلطنتی ادامه یابد، و مجلس در رابطه با شورای وزیران که شاه ریاست آن را برعهده دارد، نقش ضعیف‌تری ایفا کند.

مؤسسه دولتی پر قدرت دیگری که ممکن است از سوی مجلس به چالش طلبیده شود دیوان المظالم است. دیوان متشکل از علما بلندپایه است و در ۱۹۵۵ به منظور بررسی و رسیدگی به شکایات شهروندان تأسیس شده است.^{۳۱} با توجه به نقش میانجی‌گری روبه‌رشد مجلس از طریق کمیته دادخواست‌ها، امکان رقابت میان مجلس و دیوان وجود دارد، هر چند که دیوان از اختیارات و قدرت قضایی برخوردار بوده است و مجلس فاقد آن است.

هنوز بسیار زود است که بتوان از نقش روبه‌تکامل مجلس در جامعه سعودی

سخن گفت. با این همه، شکی نیست که نظام سیاسی سعودی در پنج سال گذشته دچار تحول قابل ملاحظه‌ای شده و مجلس نقشی اساسی در فرایند تکاملی برعهده دارد. گرچه تأثیر دقیق آن بر تصمیم‌گیری را نمی‌توان هنوز تعیین کرد، اما آشکار است که نهادهای دولتی و شخص ملک فهد برای نظرات مشورتی مجلس اهمیت قایل هستند. علاوه بر این، علی‌رغم محدودیت‌های قانونی برسر راه مجلس، واقعیت این امر که مجلس توانسته است از سال ۱۹۹۳ به کار کرد خود ادامه دهد، بیانگر گشایش جدید در فرایند سیاسی سعودی است و معکوس کردن آن، حتی با حکم رسمی، مشکل به نظر می‌رسد. ویژگی بلامنازع مجلس در این است که تنها مؤسسه سعودی تجسم‌کننده قرارداد اجتماعی میان پادشاهی و شهروندان می‌باشد.^{۳۲} بدین گونه مجلس تنها ارگان رژیم است که در برابر مردم سعودی پاسخگو و مسئول است. گرچه تشخیص نتایج این تحول مشکل است، اما هم دوستان و هم مخالفان عربستان سعودی در غرب و خاورمیانه باید به نیروهای پویایی که در سپیده دم قرن بیست و یکم به پادشاهی سعودی شکل می‌دهند توجه کنند. □

نمودار شماره یک
پیشینه شغلی اعضای مجلس شورای ۱۹۹۷

درصد	تعداد	شغل
۳۶,۷	۲۳	دانشگاهی (رشته های غیر مذهبی)
	۷	دانشگاهی (رشته های مذهبی)
	۳	دانشگاهی / روزنامه نگار
۴۳,۳	۱۹	بوروکرات
	۷	بوروکرات / دانشگاهی
	۷	بوروکرات / بازرگان
	۳	بوروکرات / قاضی
	۱	بوروکرات / روزنامه نگار
	۱	بوروکرات / وکیل
	۱	بوروکرات / مذهبی
۴,۴	۴	پلیس
۴,۴	۴	دیپلمات
۳,۳	۳	نظامی
۷,۸	۳	بازرگان
	۳	بازرگان / وکیل
	۱	بازرگان / روزنامه نگار
۹۹,۹	۹۰	

منبع:

Aggregation of data from Al-Yamama, 12 July 1997.
 عکاظ: ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، عکاظ: الاسبوعیه، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷.

نمودار شماره ۲
حوزه تخصصی اعضای مجلس شورای سال ۱۹۹۷

تخصص	تعداد	درصد
جغرافیا	۱	۱,۱
مدیریت عمومی	۶	۶,۶
علوم اسلامی	۱۳	۱۴,۴
مهندسی	۱۲	۱۳,۳
تاریخ	۲	۲,۲
علوم سیاسی	۸	۸,۸
بیولوژی	۱	۱,۱
اقتصاد	۶	۶,۷
علوم پلیسی	۴	۴,۴
علوم انسانی (ادبیات)	۵	۵,۵
پزشکی	۳	۳,۳
آموزش و پرورش	۵	۵,۵
جامعه شناسی	۲	۲,۲
علوم نظامی	۳	۳,۳
کتابداری / اطلاعات	۴	۴,۴
مدیریت بازرگانی	۳	۳,۳
ریاضیات	۳	۳,۳
حقوق	۵	۵,۵
زمین شناسی	۲	۲,۲
ناشناخته	۲	۲,۲
	۹۰	۹۹,۴٪

نمودار شماره ۳
توزیع محلی اعضا مجلس شورای سال ۱۹۹۷

درصد	تعداد	استان
۴۴٫۴	۴۰	نجد
۲۸٫۹	۲۶	حجاز
۸٫۹	۸	استان شرقی
۳٫۳	۳	عسیر
۲٫۲	۲	حائل
۲٫۲	۲	جیزان
۱٫۱	۱	تبوک
۱٫۱	۱	ابها
۷٫۸	۷	ناشناخته
۹۹٫۹	۹۰	جمع

منبع:

Aggregation of data from *Al-Yamama*, 12 July 1997.

عکاظ، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، عکاظ الاسبوعیه، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، المجله، ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۷، القدس العربی، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷:

پاورقی‌ها:

- ۱- برای اطلاع از واکنش مطبوعات سعودی نگاه کنید به عکاظ (جده)، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷: الرياض (ریاض)، ۷ و ۸ ژوئیه ۱۹۹۷: الجزيرة (ریاض)، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷: و الیمانیه (ریاض)، ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۷.
- ۲- برای اطلاع از یک چارچوب نظری مرتبط با این بحث نگاه کنید به:

Harold D. Lasswell, Donald Lerner and C. Easton Rothwell, *The Comparative Study of Elites: An Introduction and Bibliography* (Stanford, CA: Stanford University Press, 1952); and William B. Quandt, *The Comparative Study of Political Elites* (Beverly Hills, CA: Sage, 1970).

اطلاعات مربوط به شرح حال اعضاء مجلس از منابع زیر جمع آوری شده است:

- السمانه، ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۷: عکاظ، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷: عکاظ الاسبوعیه (جده)، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، المجلة (لندن)، ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۷: القدس العربی (لندن) ۸ ژوئیه ۱۹۹۷: الرياض، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، و الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷: الجزيرة ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، والشرق الاوسط (لندن)، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۷.

3. *The Holy Quran* (Al-Mandina, Saudi Arabia: Ministry of Hajj and Endowments, 11410), Surat 42, Ayat 30, p. 1487.

4. Rahshe Aba-Namay, "Constitutional Reform: A Systemization of Saudi Politics," *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, 16, 3 (Spring 1993), pp. 44-48.

۵. الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱۶.

۶. در رابطه با تحلیل مشکلات اقتصادی و اسلام گرایی عربستان سعودی، نگاه کنید به:

Michael Collins Dunn, "Is the Sky Falling? Saudi Arabia's Economic Problems and Political Stability," *Middle East Policy*, 3, 4 (April 1995), pp. 29-39.

7. John Bullock, *Reforms of the Saudi Arabian Constitution* (London: Gulf Centre for Strategic Studies, 1992), pp. 38-70.

۸. الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۴.

9. Bullock, *Reforms of Saudi Arabian Constitution*, pp. 45-55.

10. *Ibid.*, p. 58.

۱۱. الرياض، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۴.

۱۲. الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱۶.

۱۳. الشرق الاوسط، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۵: الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱۶.

۱۴. الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱۵.

۱۵. الرياض، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱۶.

16. Madawi Al-Rasheed, "God, the King and the Nation: Political Rethoric in Saudi Arabia in the 1990s," *The Middle East Journal*, 50, 3 (Summer 1996), p. 371.

همچنین نگاه کنید به ماده ۳ قانون مجلس شورا در

Bullock, *Reforms of Saudi Arabian Constitution*, p. 56.

در رابطه با ترکیب مجلس نگاه کنید به: «قراءة سريعة فی التشکیل الجدید لمجلس الشوری، عکاظ الاسبوعیه، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۶.

۱۷. در رابطه با گرایشات جمعیتی سعودی نگاه کنید به:

United Nations, Department of International Economic and Social Affairs, *World Population Prospects* (New York: United Nations, 1995), pp. 802-803.

۱۸. برای اطلاع از ارقام مقایسه ای پیرامون سطح آموزش نخبگان سیاسی بلند پایه آمریکایی، نگاه کنید به:

Thomas R. Dye, *Who's Running America?* 3rd ed (Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1983), p. 197.

19. R. Hrair Dekmejian, "The Rise of Political Islamism in Saudi Arabia," *The Middle East Journal*, 48, 4 (Autumn 1994), pp. 628-43.

20. *Ibid.*, pp. 638-39.

21. *Ibid.*, p. 640.

۲۲. القدس العربی، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۱.

۲۳. همان.

24. R. Hrair Dekmejian, *Islam in Revolution*, 2nd ed (Syracuse: Syracuse University Press, 1995), pp. 149-50.

۲۵. القدس العربی، ۸ ژوئیه ۱۹۹۷. مگر چه این منبع تعداد شیعیان را چهار نفر ذکر می کند، اما نگارنده تنها از

شیعه بودن ۲ نفر مطمئن شد.

26. Dekmejian, "The Rise of Political Islamism in Saudi Arabia," p. 640.

۲۷. عکاظ الاسبوعیه، ۷ ژوئیه ۱۹۹۷، ص ۶. اعضاء مجلس ۱۹۹۳ که به مقامات بالاتر منصوب شدند عبارت بودند

از محمد جار الله، علی الجیهنی، محمد الراشد، توفیق ابراهیم توفیق، محمد النافعه و سهیل قاضی.

۲۸. همان. و نیز نگاه کنید به «مجلس الشوری السعودی فی تشکیلاته الجدیدة»، المجله، ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۷، صص

۲۴-۲۵.

29. Aba-Namay, "Constitutional Reform: A Systemization of Saudi Politics," pp. 73-75, 88.

30. Bullock, *Reforms of Saudi Arabian Constitution*, pp. 48, 50, 58-59, 60.

31. Aba-Namay, "Constitutional Reform: A Systemization of Saudi Politics," pp.

68-69.

۳۲. در مورد مفهوم «قرارداد اجتماعی» نگاه کنید به:

Al-Rasheed, "God, the King and the Nation: Political Rethoric in Saudi Arabia in the 1990s," p. 370; Aba-Namay, *Constitutional Reform: A Systemization of Saudi Politics*, " pp. 69-70.